

بسم الله الرحمن الرحيم

شرح ماوقع:

موکل آقای در سال ۱۳۸۵ با تجدیدنظر خوانده عقد دائم نموده که حاصل این ازدواج دو دختر ۱۳ و ۸ ساله میباشد در طی این چند سال همواره سعی بر این داشته که زندگی آرام و بی دغدغه ای را برای همسر و فرزندان فراهم نماید متاسفانه تجدیدنظر خوانده بدون دلیل موجه قانونی و برخلاف مواد ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ قانون مدنی، به بهانه‌های واهی و تحت تاثیر افراد خانواده اش اقدام به ترك منزل مشترك نموده و هر بار با وساطت ریش سفیدان و اقوام، که در صورت دستور آن مقام، همگی حاضر به ادای شهادت در محضر دادگاه هستند؛ زوجه را به منزل باز گرداندند، لذا این مهم مسبوق به سابقه می باشد و به دفعات تکرار شده است تا جایی که زوجه در اقدام اخیر خود در مورخه ۱۴۰۱/۲/۲۷ بدون هیچ دلیل موجه قانونی ترك منزل نموده که اینبار با پیگیری موکل حاضر به برگشت زندگی مشترك نبودند که هر بار به بهانه های مختلف از این تکلیف سرباز زده اند و به خاطر همین موضوع مجددا، موکل دادخواست تمکین مطرح نمودند و زوجه طبق راهنمایی ناصحیح و صرفا جهت فرار از قانون و انحراف دستگاه قضایی در فرایند پرونده تجدید نظر خواسته، صرفا فقط چند روز قبل از جلسه رسیدگی دادگاه محترم بدوی صرفا به منزل مشترك نقش آفرینی کرده و فی الحال طبق اظهارنامه ارسالی از سوی موکل و پاسخ زوجه به عدم بازگشت به زندگی مشترك (پیوست میباشد)، کما اینکه این مورد طی دادنامه پیوست مسبق السابقه بوده و همچنین زوجه شکایت های واهی، طی سو ظنی که به زوج داشتند علیه ایشان مطرح نمودند ولی از آنجایی که می دانستند شکایت واهی هست در پرونده ها اعلام رضایت نمودند.

الف: دادنامه تجدیدنظر خواسته به دلایل و جهات ذیل قابل تجدیدنظر خواهی میباشد

عالیجنابان هم اکنون با استعلام از سامانه ثنا مشخص می شود که زوجه بعد از حدود ۱۶ سال زندگی مشترك آدرس و اقامتگاه شان، منزل شوهر نیست بلکه به آدرس شهرستان آمل، خیابان نور، روستای تجن جار می باشد کما اینکه موکل و همسرشان از بدو زندگی مشترك تاکنون در منزل پدری موکل که منزلی مجزا و متعارف و در شان زوجه می باشد (چمستان) زندگی می کردند، همانطور که پیشتر نیز

گفته شد تجدیدنظر خوانده محترم در اردیبهشت ۱۴۰۱ بدون هیچ دلیلی اقدام به ترك منزل نموده و این درحالی است که همانطور مستحضر هستید، مستنداً به ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی هرگاه زن بدون مانع مشروع از ایفای وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود و با وجود نشوز زوجه و عدم استحقاق ایشان نسبت به نفقه موکل اقدام به پرداخت نفقه ایشان نموده اند لیکن علیرغم شکایت های واهی از سوی زوجه که خود نشان از عدم تمایل نامبرده به زندگی با موکل است، موکل مسکن، تمامی اسباب و وسایل متعارف و اثاث البیت در شان زوجه را تهیه و منزل مشترک را آماده جهت بازگشت زوجه نموده اند که البته تعیین اقامتگاه قانونی خود در منزل پدری از سوی زوجه قرینه ای بر عدم تمکین زوج میباشد و بعد از جلسه رسیدگی بدوی از منزل بدون اذن زوج خارج شده که مراتب دعوت زوجه پیوست میباشد و کما فی السابق فقط در جهت پیشبرد اهداف قانونی در محاکم دادگستری قبل از جلسه رسیدگی دادگاه بدوی به منزل مشترک بازگشتند و بیشتر شبیه سناریوی تئاتر بوده تا زندگی واقعی توأم با عشق که غرض مقنن در ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی همین بوده است ولی در مباحث عنه زوجه با اقدامات غیر قانونی در جهت محکومیت موکل برای اهداف قانونی میباشد حال آن که همان گونه حضرتعالی مستحضرید به دلیل اهمیت بنیان خانواده و ارزش ذاتی این نهاد اجتماعی، دعاوی خانوادگی نیز استثنائی بر سایر دعاوی محسوب شده و به جهت اهمیت، دادرسی ویژه ای نیز دارند چراکه هدف دادگاه خانواده فصل خصومت است نه ایجاد خصومت حال آن که رای صادره توسط قاضی محترم به گونه ای واجد اثر منفی بوده است که همسر موکل دعاوی متعدد پیرو رای صادره مطرح نمودند، فلذا نقض غرض صورت گرفته است و با توجه به استثنائی بودن این دعاوی، نباید به گونه ای شتاب زده و به دور از انصاف و عدالت حکم نمود تا ایجاد خصومت گردد بلکه حکم صادره میبایست موجب فصل خصومت و ایجاد مودت گردد بعلاوه تاکید بسیاری در آیات و روایات به لزوم حسن معاشرت زوجین و معاضدت آنان در امور زندگی صورت گرفته است از جمله آیه ۱۹ سوره نساء که معاشرت به معروف زوجین را مورد تاکید قرار داده است و می فرماید ((و عاشروهن بالمعروف))

قانون مدنی نیز در این راستا و برای حفظ نهاد خانواده بیان می دارد: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند.» همچنین در ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی هم زن و شوهر را به تلاش برای زندگی

مشترک تشویق کرده و آورده است: « زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند».

و از آنجایی که زن و مرد بعد از عقد نکاح تکالیفی قانونی و شرعی در قبال یکدیگر دارند و یکی از موارد مبحث تمکین زوجه میباشد و با توجه به اینکه تمکین شامل دو نوع (تمکین عام و تمکین خاص) است و در صورتی که زن در امور کلی زندگی مشترک و یا روابط زناشویی از همسر خود تمکین نکند، در اصطلاح فقهی و حقوقی به وی زن ناشزه گفته می شود و در واقع زن باید زمینه بر طرف کردن همه نیازهای متعارف و ممکن برای زناشویی را فراهم کند

و در صورتی که زن عذر شرعی نداشته باشد و از ارتباط جنسی با همسرش پرهیز کند، روایاتی وجود دارد که حاکی از آن است که این عدم تمکین زن از شوهرش می تواند گناه باشد. پیامبر صلی الله علیه وسلم در همین مورد حدیثی دارد که می فرمایند: "والذي نفسي بيده، ما من رجل يدعوا امراته الي فراشه فتأبى عليه الا كان الذي في السماء ساخطا عليها حتي يرضي عنها" یعنی: "قسم به کسی که جان من در دست اوست اگر مردی همسرش را به بسترش فراخواند و او امتناع ورزد، خداوندی که در آسمان است بر او خشمگین می شود تا زمانیکه مرد راضی شود." روایت دیگری از پیامبر صلی الله علیه وسلم در این زمینه وجود دارد که می فرمایند: "اذا دعا الرجل امراته الي فراشه فابت فبات غضبان عليها لعنتها الملائكة حتي تصبح" که ترجمه آن عبارت است از "هرگاه مرد، زنش را به بستر خود فراخواند و زن به بستر شوهرش نرود و مرد، شب را در حال خشم (و نارضایتی) از همسرش سپری کند، ملائکه آن زن را تا صبح لعنت می کنند." و توجه قاضی محترم را به این نکته مهم جلب مینماید همانطور که گفته شد، در ۶ ماه اخیر، تجدیدنظرخوانده محترم ۳ مرتبه اقدام به ترك منزل و رها کردن فرزندان و زوج، تا کنون نموده، و از آنجاییکه اختلاف فی ما بین زوجین، صرفا عدم رابطه زناشویی می باشد و خانواده زوجین مطلع هستند و به تشخیص دادگاه محترم حاضر به ادای شهادت میباشند لهذا با توجه به مراتب معروضه دادنامه تجدید نظرخواسته خلاف نظر مقنن و کاملا در مغایرت شرع میباشد.

ب: دادنامه تجدیدنظرخواسته برخلاف دلایل ابرازی بوده است

علی ایحال با توجه به موارد عنوان شده: ۱_ اجاره نامه مورخه ۲۴/۱۲/۱۴۰۰ - ۲_ عنداللزوم اخذ گواهی شهود به اسامی و - استشهادیه جهت اثبات عدم رجوع زوجه به منزل

مشترک ۴_ اظهارنامه به کدرهگیری ۱۴۰۱۲۲۰۵۳۰۷۶۱۳۱۰ مورخ ۲۹/۵/۱۴۰۱ و ۵- اظهارنامه به کدرهگیری ۱۴۰۱۲۲۰۱۷۵۷۸۳۷۲۵ مورخ ۲۷/۵/۱۴۰۱. ۶- تصاویر اثاثیه منزل ۷- و استعلام حساب بانکی زوجه جهت اثبات عدم سوءنیت موکل جهت واریز نفقه زوجه و فرزندان مشترک ۸- استعلام خطوط و عدم پاسخگویی به تلفن همراه موکل و پرینت پیام ها، از دادگاه محترم نقض رای صادره از دادگاه بدوی و الزام به تمکین زوجه که بدون هیچ دلیل قانونی بر خلاف مواد ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴ اقدام به ترک منزل مشترک نموده است و عدم انطباق رای صادره با موازین شرعی و قانونی و همچنین به استناد بندهای ج و ه ماده ۳۴۸ قانون آئین دادرسی مدنی، تقاضای رسیدگی مجدد و نقض دادنامه صادره را جهت احقاق حقوق تضییع شده موکل از محضر عالی خواستارم.